

نقش مادر در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر مراحل پیش از تولد و

پس از آن *

هادی مجیدی^۱

چکیده

تربیت فرزند به عنوان مهم ترین نقش والدین در آیات و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در بیشتر نظریه های رشد شخصیت، مادر به عنوان فرد تأثیرگذار بر تربیت و رشد شخصیت کودک معرفی شده است. یکی از ساحت های تربیت، تربیت دینی است که دارای زمینه ها و عوامل متعددی است و در این میان مادر نقش والایی دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با تحلیل مراحل پیش از تولد و پس از تولد است. براساس نتایج به دست آمده مادر به دو صورت در تربیت فرزند نقش دارد: الف) پیش از تولد: مادر با اصلاح و تقویت شناخت ها، عواطف و رفتارهای خود در راستای تربیت دینی، زمینه ایجاد چنین تربیتی را فراهم می آورد؛ ب) پس از تولد: در این دوران مادر با تقویت روحیه دینی فرزندان در انجام واجبات و ترک محرمات (الگوی عبادی)، دوری از رذائل اخلاقی (الگوی اخلاقی)، آموزش آداب اسلامی (الگوی آموزشی)، پرورش دینداری (الگوی پرورشی) و یادگیری از طریق مشاهده رفتار (فرزند از طریق مشاهده رفتار الگویی مادر از او تقلید می کند و رفتار خود را در امور دینی با وی منطبق می سازد) در تربیت دینی فرزندان نقش بسزایی ایفا می کند.

واژگان کلیدی: تربیت، مادر، تربیت دینی، پیش از تولد، پس از تولد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۹/۶

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۱

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد روان شناسی شخصیت مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعه المصطفی العالمیه.
majidi.hadi110@gmail.com

از دیرباز، تربیت یکی از موضوعات مورد علاقه بیشتر اندیشمندان و نظریه پردازان بوده است. «تربیت» در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است. ابن منظور می گوید: «تربیت، از «ربو» به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری است» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق). راغب اصفهانی، تربیت را «تغییر تدریجی امری می داند، به گونه ای که آن چیز به حد تمام برسد» (الراغب، ۱۴۱۶ق). دانشمندان اسلامی با توجه به معنای لغوی تربیت، مفهوم پرورش دادن، شکوفا ساختن، رشد دادن و فراهم آوردن زمینه های به فعلیت رساندن استعدادهای درونی و بیرونی متربی را از آن برداشت کرده اند. استاد مرتضی مطهری می نویسد: تربیت، به معنای پرورش دادن استعدادهای درونی ای است که بالقوه در یک شیء موجود می باشد؛ یعنی آن توانایی های بالقوه را به فعلیت برساند (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۶). برخی دیگر از صاحب نظران نیز تربیت را این گونه تعریف کرده اند: «تربیت، یعنی پرورش دادن استعدادهای مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی که خداوند در وجود آدمی قرار داده است» (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

تربیت اقسام متعددی دارد: ۱. تربیت بدنی: پرورش دادن کودک، به گونه ای که بتواند با توانایی کامل، کارهای خود را انجام دهد و در برابر بیماری ها مقاوم باشد. به گفته روان شناسان «عقل سالم در بدن سالم است» (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۹۳)؛ ۲. تربیت عقلی: عقل از ابعاد مهم وجود انسان است که در صورت شکوفایی متربی را در مسیر خیر و نیکی قرار می دهد و می تواند صاحبش را به سعادت و خوشبختی برساند؛ ۳. تربیت عاطفی: احساس و عاطفه براساس تربیت، تقویت و یا تضعیف می شود. دوست داشتن و محبت سبب می شود انسان برای دستیابی به رضایت محبوب خود تلاش و کوشش نماید؛ ۴. تربیت اخلاقی: اخلاق زیبا و رعایت آداب نیکو از تربیت اخلاقی درست سرچشمه می گیرد. مربی می تواند درس تقوا و خدا ترسی به کودک بیاموزد و از کودکی ضعیف و

ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد (میرعظیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۶)؛ ۵. تربیت اجتماعی: شخص به گونه ای تربیت شود که بتواند رابطه ای درست و صحیح با افراد اجتماع برقرار کند؛ ۶. تربیت جنسی: به معنای فراهم آوردن زمینه رشد متناسب غریزه جنسی، همراه با رشد دیگر جنبه های جسمی و معنوی انسان و نیز پیشگیری از انحراف ها و لغزش های مربوط به آن است؛ ۷. تربیت دینی: عبارت است از مجموعه اعمال آگاهانه و هدف دار به منظور آموزش گزاره های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها متعهد و پایبند شوند (داودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

مربی دینی باید در اجرای فرایند تربیت دینی به فراهم ساختن زمینه دین پذیری و عمل کردن به دستورهای دین توسط مربی اهتمام ورزد. وی باید به گونه ای رفتار کند که مربی، خود به خود و با رغبت به دین گرایش پیدا کند، معارف دین را فراگیرد، به آموزه های دینی ایمان بیاورد، به احکام دین عمل کند، به ارزش های دینی احترام بگذارد و از هر جهت، در برابر خواسته های آفریدگار جهان تسلیم شود. این کار در واقع همان بیدارسازی فطرت اولیه انسان است. در محیط خانه و خانواده نقش مادر به عنوان مربی فرزندان در پرورش دینی پررنگ تر است. بیشترین تأثیر مادر مربوط به دوره کودکی است. مادر در این دوره اعمال دینی را همراه با فرزند برگزار می کند، او را با حالات و توجهات اعتقادی، عبادی و دعاها مأنوس می کند و بسیاری از مطالب دیگر را به او می آموزد. فراهم کردن زمینه های رشد جسمی و روحی و شکوفاسازی استعداد های درونی و فطری فرزند در سه جنبه شناخت، ایمان و عمل از وظایف یک مادر و مربی شایسته است؛ به گونه ای که مربی خود به سوی کمال الهی و انسانی گام بردارد.

همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش والایی قائل هستند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. با دقت در برخی آیات قرآن در می یابیم خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. بیان رحمت ها و رنج های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور خداوند به احسان و نیکی به پدر و مادر، همه گواه جایگاه والای مادر است. خداوند متعال در آیه ۱۴

سوره لقمان، پس از سفارش به احسان والدین، در آیه‌ای دیگر به رنج و زحمت‌هایی که مادر برای فرزند متحمل می‌شود، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد».^۱

الگوهای قرآنی مادر، همانند مادر حضرت عیسی علیه السلام، مادر حضرت موسی علیه السلام و مادر حضرت مریم علیه السلام آشکارا به نقش مادر در تربیت فرزندان در مراحل جنینی و پس از آن و نیز تأثیر حالات روحی، اخلاقی و ایمانی مادران بر خلق و خو، حالات و رفتار فرزندان اشاره دارد. الهام وحی الهی به مادر حضرت موسی علیه السلام (قصص، ۷) و قداست و برگزیدگی حضرت مریم علیه السلام به عنوان زن نمونه در میان زنان عالم، نشان از تربیت یافتن وی در دامن مادری چون همسر عمران است؛ زنی با این درجه از خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خویش را در کمال تقوای پیشگی و بندگی خالصانه سپری کرده و مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آرایش‌های تأثیرگذار بر کودک خویش بوده است. کاوش‌های جدید علمی، بیان‌کننده آن است که حوادث محیطی و پیرامونی کودک از زمان تولد و حتی پیش از آن و در دوره جنینی، مانند تصورات افکار، حزن و اندوه او، رفتارها و عملکردهای مادر و نیز تغذیه، نظافت، گرفتن از شیر و آموزش دارای تأثیر کامل در تنظیم شکل‌گیری شخصیت آینده است. اسپاک در این زمینه می‌نویسد: «انسان پیش از تولد نه تنها در رحم مادر رشد می‌کند، تغذیه می‌شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکتهای او شریک است» (اسپاک، ۱۳۸۳، ص ۵۴۳).

در روایات متعددی به مقام مادر اشاره شده است. برای نمونه، روایت است که مردی از پیامبر پرسید: پدر و مادر کدام یک اعظم هستند؟ پیامبر فرمود: آن کس که تو را در شکمش حمل نمود و به تو شیر داد و تو را حفظ کرد، پدر و مادرش را فدای تو کرد. یعنی هستی خود را فدای تو نمود.

۱. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف، ۱۵)

با توجه به این روایت، مادر دوران بارداری، شیردهی و حفاظت از طفل را در دورانی که هیچ توانی ندارد به تنهایی بر عهده دارد. اوست که پدر و مادرش را رها می‌کند، تمام وقتش را برای فرزند می‌گذارد؛ بنابراین مادر نسبت به پدر از جایگاه بالاتری برخوردار است، اوست که می‌تواند جامعه را با پرورش کودکان به هدایت برساند و انسانی سالم و صالح تربیت کند و جامعه را به سوی سعادت هدایت نماید.

برجسته‌ترین نقش مادر در محیط خانه نقش تربیتی است. دامن مادر می‌تواند کودک را برای پذیرش حق و دعوت انبیا و اولیای الهی آماده و زمینه سلامت روانی او را فراهم کند و یا اینکه او را از مسیر مستقیم فطرت منحرف کند (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۱، ص ۱۵۸). خداوند برای مقام مادر در جای جای اسلام همچون رسالت پیامبری وظیفه پروراندن و تزکیه و پالایش را قرار داده است تا فرزندانش را از زمان پیش از انعقاد نطفه با مربی‌گری خود به لحاظ فکری و روحی به درجات متعالی سلوک برساند؛ زیرا کودک از همان آغاز، مادر را تنها حلقه ارتباطی‌اش با دنیای مادی می‌داند. مادر برای موفقیت در ایفای نقش خود در تربیت بهتر و شکوفایی استعدادهای فرزندان باید از اصول تربیتی آگاه باشد. یکی از وظایف مادر برای پرورش کودک، تربیت دینی است. آنچه در تربیت دینی مهم تلقی می‌شود درونی کردن دینداری در فرد است. از این‌رو، اگر مادری کاملاً معتقد و دیندار، علاقه‌مند باشد فرزندی دیندار تربیت کند، ولی از تربیت و مسائل آن آگاهی لازم را نداشته باشد، دینداری و علاقه او تأثیر زیادی در تربیت دینی فرزندش نمی‌گذارد و یا چه بسا نتیجه عکس می‌دهد و فرزندش را دین‌گریز و دین‌ستیز بار آورد.

پژوهش اسکندری نژاد (۱۳۸۹) نشان داد، مادر با ایجاد شخصیتی اسلامی و تغییرات الهی در لایه‌های وجودی خویش در مسیر دامن‌دار علمی و عملی به راستی دیندار می‌شود و با شناخت مسائل تربیتی می‌تواند فرزندش را به وسیله اعطای بینش تعمیق باورها و اصلاح رفتار به تکامل و تعالی برساند که درون‌سازی دینی نامیده می‌شود. در پژوهش آقاجانی کوپایی، احمدی و نارویی (۱۳۹۳) ویژگی‌های شخصیتی مادر براساس دانش ژنتیک به نوزاد منتقل می‌شود و در ویژگی‌ها و خلیات او تأثیر دارد و موجب می‌شود

مادر آمادگی خوبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوزاد داشته باشد تا بتواند ضمن شناخت نیازهای نوزاد به نیازهای او پاسخ دهد. همچنین شرایط انعقاد نطفه، نوع تغذیه مادر در دوران بارداری و آمادگی و آرامش روانی او تأثیر بسزایی در آمادگی‌های ذاتی و سرشتی نوزاد دارد. یافته‌های پژوهش سراقی، منیرپور و احمدی (۱۳۹۴) بیانگر ده مؤلفه برای نقش مادر بود که در سه سازه اصلی پذیرش، محافظت و پرورش ساماندهی شد. زیرمؤلفه پرورش شامل پرورش جسمی، توجه به بازی کودک، محبت، تکریم و توجه به موانع رشد و جهت‌گیری مذهبی بود. مؤلفه‌های محافظت عبارت بود از تأمین نیازهای زیستی، حفاظت از خطر و مراقبت‌های پیشگیرانه. یافته‌های پژوهش نوذری (۱۳۹۴) در زمینه چگونگی شکل‌گیری دینداری نشان داد که وجه تشابه دو دیدگاه اسلامی و روان‌شناختی، تأکید بر ایجاد محیط‌زیست امن، پویا و پاسخ‌گو برای رشد مطلوب دینداری است. هر دو دیدگاه بر ثبت تجربه‌های کودک-والدین در نظام روانی کودک و تأثیر این تجربه‌ها بر دینداری آینده تأکید دارند. براساس نتایج یافته‌های حسینی‌زاده (۱۳۹۵)، از دیدگاه اسلام افزون‌بر نقش محیطی مادر در تربیت فرزند، نقش وراثتی او نیز به‌ویژه در زمینه‌های عقلی و هوشی از نقش وراثتی پدر بیشتر است.

هدف اصلی این پژوهش، آگاهی از نقش مادر در تربیت فرزند به‌ویژه از دیدگاه اسلام است و اینکه مادران چه اندازه در تربیت دینی فرزندان اثرگذارند و چگونه می‌توانند انسان‌های مؤمن و شایسته‌ای را پرورش و تحویل جامعه دهند. بی‌تردید، اگر مادران به نقش مهم خود در تربیت دینی فرزندان آگاه باشند و از شیوه‌های سازنده در این زمینه بهره‌گیرند، می‌توانند افرادی شایسته و مفید را پرورش دهند.

روش تحقیق

با توجه به اهمیت نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، در این مقاله سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای به توصیف نقش مادر در تربیت دینی فرزندان با توجه به منابع اسلامی پرداخته شود و ابعاد روان‌شناختی آن تحلیل شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش ارائه می‌شود: الف) پیش از تولد: در این دوران، مادر با اصلاح و تقویت شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای خود در راستای تربیت دینی، زمینه ایجاد چنین باوری را در فرزندان فراهم می‌آورد؛ ب) پس از تولد: در این دوران، مادر با تقویت روحیه دینی در انجام واجبات و ترک محرمات (الگوی عبادی)، دوری از رذائل اخلاقی (الگوی اخلاقی)، آموزش آداب اسلامی (الگوی آموزشی)، پرورش دینداری (الگوی پرورشی) و یادگیری از طریق مشاهده رفتار (الگوی یادگیری) زمینه تربیت دینی فرزندان را فراهم می‌کند.

الف) پیش از تولد

روش تربیتی اسلام توحیدمداری است. یعنی والدین، تربیت فرزندان خویش را بر محور توحید قرار می‌دهند. از روایات به دست می‌آید، انسان با فطرت توحیدی متولد می‌شود. از زمان تولد، تعامل آن با عوامل محیطی شروع می‌شود و می‌تواند زمینه شکوفایی یا ضعف و انحراف آن را موجب شود. در روایت آمده که «هر نوزادی بر فطرت الهی زاده می‌شود و این پدر و مادر اویند که او را یهودی، نصرانی و یا مجوسی می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۱). این روایت بر این مطلب دلالت می‌کند که اولاً، هر نوزادی با ظرفیتی با نام فطرت که همان عشق به کمال مطلق است زاده می‌شود؛ ثانیاً، رشد او با عوامل اجتماعی و تربیت‌های نادرست و شرک‌آمیز مرتبط است؛ بنابراین، در تربیت اسلامی، توحید و بندگی نقطه اوج تعالی انسان برشمرده شده است و نقش مربی‌ای چون مادر در رساندن فرد به چنین هدف تربیتی خطیر پررنگ‌تر است.

براساس روایت‌های فراوان، بسیاری از ویژگی‌های مادر که هنگام انتخاب همسر باید رعایت شود و نیز رفتارهای او در زمان بارداری و تغذیه زمینه‌ساز تربیت و زمینه‌ای برای خوشبختی و بدبختی فرزند به شمار می‌آید که توجه به آنها برای پدر و مادر لازم است. روان‌شناسان بر این باورند که رابطه مادر و فرزند از زمان انعقاد نطفه آغاز می‌شود و در

طول بارداری و پس از آن ادامه می‌یابد. حتی در این دوره، ارتباط بین آنها بیشتر می‌شود و مادر به صورت طبیعی و فطری، تمام علاقه و انرژی خود را صرف پرورش فرزند می‌کند (پیاژه، ۱۳۶۶، ص ۱۹). دوره پیش از تولد دوره بسیار حساسی است، چنان‌که سلامت مادر، حالت‌های روحی و معنوی مادر، ویژگی‌های روحی و رفتاری مادر، کار و استراحت مادر، ترس و اضطراب وی، نگرانی‌ها و گریه‌هایش، تغذیه و حتی تنفس‌های او بر کودک اثر می‌گذارد.

مواردی که در آموزه‌های اسلامی برای مراقبت‌های پیش از تولد ذکر شده عبارت‌اند از: ۱. درخواست فرزند صالح؛ پس از اینکه زن و مرد با همسر شایسته خویش و با شرایط صحیح با همدیگر پیمان وصلت بستند، باید از خداوند فرزند سالم و نسل صالح درخواست کنند و همه اعمال و رفتارهای خود را با نام و یاد و توکل به پروردگار عالمان انجام دهند؛ بنابراین، اگر آغاز زندگی مشترک با دعا و خواسته‌های مشروعی، مانند فرزند صالح همراه باشد، بی‌تردید آینده درخشانی پیش‌روی این خانواده خواهد بود و فرزند صالحی روزی‌شان خواهد شد. قرآن کریم به این مسئله اشاره کرده و در آیه ۳۵ سوره آل عمران از قول همسر عمران می‌فرماید: «(به یادآور) هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! همانا من نذر کرده‌ام آنچه را در رحم دارم، برای تو آزاد باشد (و هیچ‌گونه مسئولیتی به او نسپارم تا تمام وقت خود را صرف خدمت در بیت المقدس کند) پس از من قبول فرما، که به راستی تو شنوای دانایی»؛^۱ ۲. نام و یاد خدا؛ استعانت از خداوند و یاد خالق متعال در هر کاری نیکو و انرژی‌آفرین است. هنگام غذا خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن، موقع خروج از منزل، موقع خوابیدن و خلاصه در هر کاری بردن نام خداوند باعث خیر و برکت و اطمینان و آرامش است. هنگام هم‌بستر شدن نیز طلب یاری از خداوند و پناه بردن به خیمه محکم الهی بسیار زیبا خواهد بود. بنا بر سخن بزرگان دین، گفتن «بسم الله» هنگام معاشرت زوجین، برای پیشگیری از دخالت شیطان مؤثر است (دشتی، ۱۳۶۴، ص ۹۶)؛ زیرا بدیهی است نطفه‌ای که با مشارکت شیطان منعقد شود؛ فرزندی به بار خواهد نشاند که گرایشش به گناه بیشتر و

۱. «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

تربیت او سخت‌تر است و راه رسیدن او به مدارج عالیه اخلاقی طولانی‌تر خواهد بود. این تأثیر تا حدی است که در بزرگسالی نیز نشانه‌هایی آشکار در رفتار و کردار این‌گونه افراد دیده می‌شود؛^۳ تأثیر تغذیه بر جنین؛ در آموزه‌های اسلامی برای تغذیه افزون‌بر منافع جسمانی، آثار تربیتی-روانی فراوانی بیان شده است؛ از این‌رو، خدای متعال در قرآن کریم انسان را به دقت و تأمل در کیفیت غذایش فرا می‌خواند.^۱ تنها چیزی که بیش از همه توجه آدمی را به خود جلب می‌کند، غذایی است که برای ادامه زندگی خود از آن استفاده می‌کند و با یک دگرگونی فیزیکی-شیمیایی، جزء بافت وجودی انسان می‌شود (عطاران، ۱۳۷۱، ص ۸۵). از آنجا که نطفه برآیند غذاهایی است که پدر و مادر مصرف می‌کنند؛ بنابراین، بدیهی است که درآمدهای حرام بر نسل انسان تأثیر منفی بگذارد. بر همین اساس، خداوند سفارش می‌کند به آن چیزی که به‌عنوان خوراکی استفاده می‌کنید، نیک بنگرید که چگونه تهیه شده و از چه راهی به دست آمده است؛ زیرا نوع غذا از نظر حلال و حرام بودن، آثار مهمی در اعمال و رفتار انسان دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). امام سجاد (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «و اما حق شکم آن است که آن را ظرف غذای حرام؛ اگر چه اندک قرار ندهی» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۰ق).

ب) پس از تولد

انسان به اقتضای فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگوطلب و الگوپذیر است و بدین سبب یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌های تربیت، ارائه نمونه و تربیت عملی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۳). بندورا، از روان‌شناسان اجتماعی، یادگیری از طریق مشاهده الگورا که از آن به یادگیری مشاهده‌ای تعبیر می‌کند در دوره کودکی بسیار مهم می‌داند. از دیدگاه او، کودک با مشاهده رفتار الگو مانند مادر به خوبی از او تقلید می‌کند (اسلاوین، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵) و رفتار خود را در حوزه‌های مختلف زندگی با رفتار او منطبق می‌سازد؛ بنابراین، یادگیری از راه مشاهده، روشی فطری و غریزی است که در

۱. «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۲۴).

انسان و حیوان وجود دارد و از هنگام تولد آن را به کار می‌گیرد و بخش زیادی از یادگیری انسان از این راه است. کودک نیز رفتار بزرگسالان مانند راه رفتن، سخن گفتن و خندیدن را می‌بیند و از آنها به خوبی تقلید می‌کند. برای نمونه، دختر بچه‌ای که می‌بیند مادرش آشپزی می‌کند، از وی تقلید می‌کند و همان کار را با موفقیت انجام می‌دهد (سید محمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱).

از این‌رو، روش الگویی در سازمان دادن ساختار تربیتی کودک به شدت نقش دارد. مادر به‌عنوان مربی، بزرگ‌ترین نقش الگویی را ایفا می‌کند. در واقع همه حرکات و حالات مادر در جایگاه مربی در تربیت فرزندان بر هیچ‌کس پوشیده نیست (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵). از آنجا که تأثیر رفتار و شخصیت مادر بیش از گفتار اوست، از این‌رو، مادر نخستین و تأثیرگذارترین الگوی عملی کودک است و باید صفات مثبت شخصیتی و ویژگی‌های مؤثر در فرایند الگوگیری را داشته باشد. نقش مادر به‌عنوان الگوی فرزند پس از تولد در چهار الگوی عبادی، اخلاقی، آموزشی و پرورشی خلاصه می‌شود که به شرح زیر ارائه می‌گردد.

الگوی عبادی

مهم‌ترین نقش مادر پس از تولد نوزاد، فراهم ساختن فضای معنوی برای تربیت دینی است. مادر می‌تواند با ایجاد فضای مناسب دینی و معنوی در محیط خانواده این زمینه را فراهم سازد. اثر محیط زندگی بر اخلاق و رفتار انسان به‌ویژه کودک بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. اگر محیط خانواده محیطی معنوی و مأنوس با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات باشد، فرزندان پرورش‌یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می‌شوند و به تدریج آن خلق و خور را فرا می‌گیرند. عکس این مطلب نیز صادق است، فرزندانی که در خانواده‌های دور از دعا، نماز و تلاوت قرآن پرورش می‌یابند کمتر با معنویت سروکار دارند. بنابراین، عبادت‌ها و نیایش‌های مادر نقش بسزایی در پرورش روحی و معنوی فرزند دارد. عبادت مادر در خانه نوعی تمرین عملی و ارائه الگو به فرزند است که ذهن آماده او را به خود جلب می‌کند و اثر آن سال‌ها در دل و ذهن او باقی می‌ماند. در قرآن کریم، به

موارد بسیاری اشاره شده است که کودکان و نونهالان، روحیه عبادت و دعا را از مادران خود به ارث برده و عبادت کردن را در عمل از آنان آموخته‌اند. برای نمونه، همسر عمران -مادر مریم- از مادرانی است که پیش از ولادت فرزندش، با عبادت و توسل و دعا از خدا فرزندى خواست و نذر کرد که فرزند او در راه خدا و در کلیسا خدمت‌گزار بندگان مؤمن باشد. بی‌تردید مریم بسیاری از فضایل اخلاقی و معنوی را در همان زمان طفولیت از مادرش فراگرفت.

تربیت عملی مادران از راه عبادت، رفتار و اخلاق نیکو، بیش از هر روش دیگری بر جسم و روح فرزند اثر می‌گذارد و انتظار می‌رود مادران با عملکرد خود، مربی خوبی برای فرزندانشان باشند؛ بنابراین، مادر نباید نسبت به تکالیف دینی و عملی فرزند بی‌توجه باشد، بلکه باید با تربیت صحیح و مناسب او را به عبادت علاقه‌مند کند. از نظر روانی -تربیتی، بهترین روش برای ایجاد و تقویت انگیزه عبادت در فرزند، استفاده از روش عملی و الگویی است. این روش به‌طور غیرمستقیم در فرزند اثر می‌گذارد. اگر مادر به خواندن نماز اول وقت اهمیت دهد و همواره در برابر چشمان کودک سر وقت نمازش را بخواند، به یقین بر روح و روان کودک اثر می‌گذارد و وی را به این کار علاقه‌مند می‌کند؛ بدون اینکه امر و نهی یا اجباری در کار باشد.

از نمونه‌های دیگر الگوی عبادی مادر بر فرزند، همراه بردن کودکان و نونهالان به مسجد و شرکت دادن آنها در نماز جماعت است. مادر بهترین کسی است که با بردن فرزند به مجالس مذهبی و آشنا ساختن کودک با اهل بیت (علیهم‌السلام) تربیت دینی آنان را تقویت می‌کند و میل و رغبت‌شان را به دین و قرآن افزون می‌سازد. بنابراین، فرزندان بسیاری از احکام و معارف دینی را می‌آموزند، به ذهن می‌سپارند و تا پایان عمر از یاد نمی‌برند.

الگوی اخلاقی

از میان افراد خانواده، مادر بیشترین نقش را در شکل‌دهی رفتار کودک دارد. کودک نیز به دلیل انس و علاقه بسیاری که به مادر دارد، به وی اعتماد می‌کند و رفتارهای وی را درست

می‌شمارد و از آن الگوبرداری می‌کند. مادر می‌تواند با استفاده از ارتباط عمیق روحی و عاطفی خود با کودک، ارزش‌های اخلاقی را به وی آموزش دهد. اگر مادر راستگو و درستکار باشد و همواره صادقانه رفتار کند، صفت راستگویی را در کودک نهادینه و صداقت در گفتار و رفتار را بر رفتار او حاکم می‌سازد. مادر باید از راه تمرین و تشویق، گرایش به پذیرش ارزش‌های اخلاقی را در وجود کودک تقویت و او را به این مسیر هدایت کند. مادر با رفتار الگویی خود انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم ناپاکی‌ها، حسدها، کینه‌ها و رذائل اخلاقی دور می‌کند و در دلش مهر و صفا و خیراندیشی نسبت به هم‌نوعان پدید می‌آورد. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «مادرِ خوب، بچه‌ی خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند» (خمینی، ۱۳۷۵)

عزت نفس و بزرگ‌منشی، از ویژگی‌های برجسته انسانی است. عزت نفس به معنای قدرت و ارجمندی، در فطرت بشر ریشه دارد و نمی‌گذارد فرد در فراز و نشیب‌های زندگی احساس شکست کند. در اینجا منظور از عزت نفس، شناخت حقیقت نفس خویش و قرار دادن آن در مقام و منزلت حقیقی خود است. تقویت عزت نفس به این معنا در شمار اصول تعلیم و تربیت است و مادر باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ زیرا نادیده انگاشتن عزت نفس کودک به تکبر و غرور یا به ضعف نفس که از رذائل اخلاقی هستند منجر می‌شود و هر کدام پیامدهای نامطلوب تربیتی به همراه دارد.

احترام به دیگران، از آموزه‌های مهم در فرهنگ اسلامی است. کودک موجودی پاک و معصوم و به دور از گناه و معصیت است و احترام به او از عوامل مهم در پرورش شخصیتش به شمار می‌رود. بر همین اساس، باید به کودک احترام گذاشت و او را تکریم کرد. تجربه نیز نشان داده است اگر فرد در کودکی از سوی بزرگسالان تکریم و احترام شود بزرگوار، شریف و باشخصیت بار می‌آید و برای حفظ شأن و کرامت خود از کارهای زشت و ناپسند دوری

می‌کند (ابوطالبی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲). مادر بیش از همه شایسته احترام و تکریم به کودک است؛ چون او رابطه تنگاتنگ و مداومی با کودک دارد و همواره از احوالات فرزندش باخبر است. مادر نباید فرزند را از نظر روحی و روانی تحقیر کند، بلکه باید به شخصیت او بها دهد و وی را تشویق کند تا استعدادهای درونی اش شکوفا شود.

الگوی آموزشی و پرورشی

از آنجایی که کودکان هنوز به رشد کافی نرسیده‌اند و توان تجزیه و تحلیل عقلی و استدلال منطقی مسائل را ندارند، بهتر است آنها را از راه آموزش و تقلید با خدا آشنا ساخت و به تدریج، آموزه‌های دینی را به آنان آموخت و توحید و خداشناسی را نیز به ایشان تلقین کرد. نوزادی که در محیط دینی پرورش یافته و بارها آهنگ دلربای قرآن و لفظ زیبای خدا را شنیده و نماز خواندن والدین را دیده، با نوزادی که در محیط فاسد بزرگ شده و صدای ساز و آواز شنیده و در محیط گناه رشد کرده است، یکسان نیست (همان، ص ۸۹). از این رو، در آموزه‌های اسلامی بسیار تأکید و سفارش شده است پس از ولادت نوزاد، باید در گوشش اذان و اقامه خواند تا جان و دلش با نام خدا و پیامبر آشنا شود. نقش آفرینی مادر در عرصه تکالیف عملی مانند نماز و روزه روشن است. وی می‌تواند با انجام دادن فرایض الهی، الگویی نیکو برای فرزندان به شمار آید. از جمله موارد آموزشی مادر عبارت‌اند از: ۱. آموزش قرآن: در واقع نخستین سنگ‌بنای تربیت دینی فرزندان، آشنایی با تعالیم قرآن کریم است. آموزش قرآن به کودک از جمله حقوق وی بر پدر و مادر است. چنان‌که امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر سه چیز است: انتخاب نام نیکو، ادب‌آموزی نیکو و آموزش قرآن».^۱ آموزش قرآن، اعم از خواندن، فهم معارف و درک حقایق آن در درجه اول اهمیت قرار دارد و کودک از نخستین روزهای آموزش باید با عبارات‌ها و آموزه‌های قرآنی آشنا شود. نقش مادر در این زمینه بیش از دیگران است. وی می‌تواند به فرزندش قرآن بیاموزد و او را براساس آموزه‌های قرآنی پرورش دهد؛ ۲. آموزش احکام: اثر آموزش

۱. «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹).

احکام در دوران کودکی بر ذهن و دل کودک باقی می ماند و تا آخر عمر از یاد او نمی رود، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «تأثیر علم آموختن در کودکی، مانند نقشی است که بر روی سنگ کنده شود».^۱ بنا بر این روایت، هرگونه آموزش در دوران کودکی ماندگارتر از دوره های دیگر است. اگر مادر احکام الهی را خوب بداند، به مراتب بهتر از معلم می تواند به فرزندش آموزش دهد. این گونه ارتباط مادر و فرزند، ارتباطی مستقیم و دوستانه است و اثرپذیری در این نوع ارتباط، قوی تر و عمیق تر از ارتباط جمعی است. از این رو، مادر عامل مهمی در انتقال ارزش ها و آموزش قرآن و احکام به فرزند است؛^۳ تأیید کارهای پسندیده فرزندان: پدر و مادر وظیفه دارند کودک را با آداب پسندیده دینی و سنت های اسلامی آشنا سازند. کارهای خوب کودک را تحسین کنند و او را از اعمال زشت بازدارند. تأیید رفتارهای مطلوب فرزند از سوی والدین بسیار با اهمیت است. کارهای درستی که از کودک مشاهده می شود - اگرچه غیردینی و معمولی باشد - اگر با تأیید و تحسین والدین مواجه شود، تداوم می یابد. تأیید رفتار کودک از سوی والدین ممکن است به شیوه های زبانی یا عملی صورت گیرد که هر کدام به نوبه خود در تکرار آن تأثیر فراوان دارد. اگرچه تأیید عملی از کارهای مثبت در تربیت فرزند تأثیر دارد، ولی تأیید کلامی، مانند گفتن «آفرین، بسیار خوب» بیشتر مؤثر است؛ زیرا کودک در دوره کودکی برای جلب توجه والدین به خود، به دستورهای آنان بیشتر عمل می کند (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶). اساساً یکی از شیوه های تربیتی قرآن مجید ایجاد انگیزه و رغبت در افراد صالح و برقراری موازنه میان عمل و پاداش است. عوامل ایجاد انگیزه در قرآن متعدد است، گاه از طریق وعده پاداش فراوان و چندین برابر عمل، فرد را به انجام کار نیک تحریک می کند. گاه از طریق تعلیمات عمیق دینی و اسلامی انسان را چنان صالح و متقی بار می آورد که خود به دنبال کارهای با ارزش می رود و جز به کسب رضایت خدا نمی اندیشد؛^۴ آموزش آداب سلام کردن: سلام کردن به دیگران از مستحبات اکید در دین اسلام است و ثواب فراوانی دارد، به ویژه، فرد هنگام ورود به خانه افراد دیگر، باید با گفتن سلام اهل خانه را از ورودش باخبر سازد و این گونه با ساکنان خانه ارتباط برقرار

۱. «أَلْعَلُّمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۱۹۷).

کند. سلام کردن به کودکان دو فایده دارد: نخست اینکه موجب آشنایی آنها با این سنت نیکوی پیامبر اسلام ﷺ می‌شود و آن را بهتر می‌آموزند؛ دوم اینکه سبب رشد شخصیت معنوی و اجتماعی‌شان می‌شود؛ زیرا از یک‌سو با ارزش‌های اسلامی آشنا می‌شوند و از سوی دیگر آداب اجتماعی را فرامی‌گیرند؛ بنابراین، بر مادران لازم است این سنت حسنه را به فرزندانشان بیاموزند و آنها را از کودکی با آداب سلام کردن آشنا کنند. اگر مادر به این کار عادت کند و هر وقت بر فرزند وارد می‌شود، به وی سلام کند و از کودک نیز بخواهد هر وقت با دیگران روبه‌رو شد سلام کند، به تدریج سلام کردن برای او عادت می‌شود و از آن پس، همواره به دیگران سلام می‌کند (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۸۶)؛ ۵. تشویق و تقویت رفتارهای دینی: تشویق از مهم‌ترین روش‌های تربیتی است و در آموزش و پرورش کاربردی گسترده دارد. همه کارشناسان امور تربیتی و آموزشی بر استفاده مناسب از این روش تأکید دارند. یکی از راه‌های مؤثر در تقویت و تثبیت رفتارهای دینی فرزندان، تشویق آنان به انجام کارهای خوب و شایسته است. اگر کودک کار مثبتی انجام داد، باید از او تشکر و او را تحسین و تمجید کرد؛ زیرا تشویق زبانی یا پاداش عملی در کودک ایجاد انگیزه می‌کند و سبب می‌شود که وی آن کار خوب را تکرار کند و ادامه دهد. این روش در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز وجود دارد. آن بزرگواران هرگاه کار مثبتی از فرزندان خویش می‌دیدند، آنها را تحسین می‌کردند (همان، ص ۸۶).

فرزندانی که از سوی پدر و مادر تشویق می‌شوند، از نظر روحی و روانی روحیه استقلال‌خواهی، عزت‌طلبی و نیز اعتماد به نفس قوی خواهند داشت (محدثی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲). تشویق‌های پدر و مادر، استعدادها و فرزندان را تقویت می‌کند و به فعلیت می‌رساند. مادر از همه کس به فرزند مهربان‌تر، نزدیک‌تر و بیش از هر کس دیگری مورد اعتماد اوست. از این رو، بهتر می‌تواند با تشویق‌های سازنده خود به رشد فکری و روحی کودک کمک کند.

نتیجه‌گیری

تربیت از موضوعات مورد علاقه اکثر اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده است. یکی از ساحت‌های تربیت، تربیت دینی است. در این پژوهش به نقش مادر در تربیت فرزند، به‌ویژه از دیدگاه دینی پرداخته شده است و اینکه مادران چه اندازه در تربیت دینی فرزندان اثرگذارند و چگونه می‌توانند انسان‌های مؤمن و شایسته‌ای را پرورش و تحویل جامعه دهند. نتایج پژوهش حاضر در دو بخش ارائه شد: الف) پیش از تولد: در این دوران فرزند از زمان تولد، تعاملش با عوامل محیطی شروع می‌شود و می‌تواند زمینه شکوفایی یا ضعف و انحراف آن را موجب شود. در این دوران، مادر با اصلاح و تقویت شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای خود در راستای تربیت دینی، زمینه ایجاد چنین باوری را در فرزندان فراهم می‌آورد. نتایجی که در آموزه‌های اسلامی برای مراقبت‌های پیش از تولد ذکر شده عبارت‌اند از: ۱. درخواست فرزند صالح: درخواست فرزند صالح و نیز نسل صالح از جمله مواردی است که پدر و مادر از خداوند مسئلت می‌نمایند؛ ۲. نام و یاد خدا: بنا بر سخن بزرگان دین، گفتن «بسم‌الله» هنگام معاشرت زوجین برای پیشگیری از دخالت شیطان مؤثر است؛ زیرا بدیهی است که نطفه‌ای که با مشارکت شیطان منعقد شود فرزندی به بار خواهد نشاند که گرایش به گناه بیشتر و تربیت او سخت‌تر است و راه رسیدن او به مدارج عالی اخلاقی طولانی‌تر خواهد بود؛ ۳. تأثیر تغذیه بر جنین: آموزه‌های اسلامی سفارش می‌کند به آن چیزی که به‌عنوان خوراکی استفاده می‌کنید، نیک بنگرید که چگونه تهیه شده و از چه راهی به دست آمده است؛ زیرا برای تغذیه افزون بر منافع جسمانی، آثار تربیتی-روانی فراوانی بیان شده است. ب) پس از تولد: نتایج تحقیق نشان داد در این دوران، مادر با تقویت تربیت دینی در چهار الگوی عبادی، اخلاقی، آموزشی-پرورشی و یادگیری و الگوگیری فرزند از مادر، می‌تواند فرزند را به مراتب والای انسانی سوق دهد. در الگوی عبادی این نتیجه به دست آمد که عبادت‌ها و نیایش‌های مادر نقش بسزایی در پرورش روحی و معنوی فرزند دارد. عبادت مادر در خانه، نوعی تمرین عملی و ارائه الگو به فرزند است که ذهن آماده او را

به خود جلب می‌کند و اثر آن، سال‌ها در دل و ذهن او باقی می‌ماند. اگر محیط خانواده، محیطی معنوی و مأنوس با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات باشد، فرزندان پرورش یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می‌شوند و به تدریج، آن خلق و خور را فرا می‌گیرند. عکس این مطلب نیز صادق است؛ فرزندانی که در خانواده‌های دور از دعا، نماز و تلاوت قرآن بزرگ می‌شوند، کمتر با معنویت سروکار دارند. از نمونه‌های الگوی عبادی می‌توان به خواندن نماز اول وقت، همراه بردن کودکان و نونهالان به مسجد و شرکت دادن آنها در نماز جماعت اشاره کرد. در الگوی یادگیری مشاهده‌ای نتایج آن به این صورت بود که یادگیری از راه مشاهده، روشی فطری و غریزی است که در انسان و حیوان وجود دارد و کودک رفتار بزرگسالان، مانند راه رفتن، سخن گفتن و خندیدن، را می‌بیند و از آنها به خوبی تقلید می‌کند. در الگوی اخلاقی، مادر می‌تواند با استفاده از ارتباط عمیق روحی و عاطفی خود با کودک، ارزش‌های اخلاقی را به وی آموزش دهد. اگر مادر راستگو و درستکار باشد و همواره صادقانه رفتار کند و سخن دروغ نگوید، صفت راستگویی را در کودکش، نهادینه و صداقت در گفتار و رفتار را بر رفتارش حاکم می‌سازد. احترام به دیگران از آموزه‌های مهم در فرهنگ اسلامی است. تجربه نشان داده است اگر فرد در کودکی از سوی بزرگسالان تکریم و احترام شود، بزرگوار، شریف و باشخصیت بار می‌آید و برای حفظ شأن و کرامت خود از کارهای زشت و ناپسند دوری می‌کند. در الگوی آموزشی و پرورشی از آنجا که کودکان توان تجزیه و تحلیل عقلی و استدلال منطقی مسائل را ندارند، بهتر است آنها را از راه آموزش و تقلید با خدا آشنا ساخت و به تدریج آموزه‌های دینی را به آنان آموخت و توحید و خداشناسی را نیز به ایشان تلقین کرد. از جنبه آموزشی مادر می‌تواند با آموزش قرآن، احکام، تأیید کارهای پسندیده، آموزش آداب سلام کردن، تشویق و تقویت رفتارهای دینی سنگ بنای تربیت دینی فرزندان را محکم می‌سازد.

بنابراین هدف اصلی از تربیت دینی، تقویت ارتباط با خدا و رشد روحیه تعبد و بندگی در فرزند است که این امر دو جنبه دارد: علاقه‌مندسازی فرزند به انجام فرائض و دعا و مناجات و انس با خدا و نیز بازداری او از اعمال خلاف شرع و ارتکاب محرمات. هر عاملی که به

این دو جنبه یاری رساند، در تربیت دینی و خداباوری و برقراری رابطهٔ فرزند با خدا تأثیرگذار است. در این میان نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. این نقش، دوران پیش از تولد و نیز پس از آن یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را دربرمی گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۸)، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین.
۳. ابراهیمی، جواد (۱۳۹۰)، بررسی روش الگویی رویکرد دینی و روان‌شناختی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقانیس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. ابن منظور (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۳)، تربیت دینی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. احسانی، محمد (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم: دفتر عقل، مرکز پژوهش‌های سلامی صدا و سیما.
۸. اسپاک، بنجامین مک لین (۱۳۸۳)، اسپاک، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میرعابدینی، نشر چکامه.
۹. اسکندری نژاد، خدیجه، (۱۳۸۹)، نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال سوم، شماره ۷.
۱۰. اسلاوین، رابرت ایسی، (۱۳۹۳)، روان‌شناسی تربیتی: نظریه و کاربرست، ترجمه یحیی سیدمحمدی، نشر روان، چاپ پنجم.
۱۱. آفاجانی کوپایی، محمدصادق، احمدی و نارونی، (۱۳۹۳)، تبیین عوامل شکل‌گیری و تحول دلبستگی در کودک بر اساس منابع اسلامی، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۲.
۱۲. امینی، ابراهیم (۱۳۷۲)، انتخاب همسر، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. پارسا، محمد (۱۳۷۴)، روان‌شناسی تربیتی، انتشارات سخن.
۱۴. پیازه، ژان (۱۳۶۶)، زندگی و پرورش کودک، ترجمه: عنایت‌الله شکیباپور، تهران: انتشارات نیما.
۱۵. حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۸۵)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۱.

۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حرانی، ابومحمد الحسن (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۱۷. داوودی، محمد، (۱۳۸۶)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲، ص ۲۶
۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، سیره نبوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. الراغب، محمد (۱۴۱۶ق)، المفردات فی غرایب القرآن، تحقیق: عدنان داودی، دمشق: دارالعلم.
۲۰. سبحانی، جعفر (۱۳۸۰)، فروغ ابدیت، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
۲۱. سراقی، همایون، منیرپور، احمدی و ناروئی، (۱۳۹۴)، مادر از نگاه اسلام و روان شناسی و تعیین مولفه های نقش مادری براساس متون دینی، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره چهارم
۲۲. سیدمحمدی، یحیی (۱۳۸۲)، روان شناسی یادگیری، ج ۲، تهران: نشر نی ۱.
۲۳. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۲)، روان شناسی رشد، چ ۱۰، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۴. صانعی، مهدی (۱۳۷۸)، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سناباد.
۲۵. عطاران، محمد (۱۳۷۱)، آرای مربیان بزرگ مسلمان، تهران: چ ۳، وزارت آموزش و پرورش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، محقق/مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. محدثی، جواد (۱۳۷۶)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، چ ۱۹، تهران: صدرا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، ج ۲۶، دارالکتب الإسلامیة.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول
۳۱. میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۰)، رویکردی دینی در روابط خانواده، تهران: سفیر صبح.
۳۲. میرعظیمی، جعفر (۱۳۹۶)، حقوق والدین، قم: انتشارات کتابخانه حضرت ابوالفضل.

۳۳. نوذری، محمود (۱۳۹۵)، رشد دینداری در اوائل کودکی، رویکردی روانشناختی - اسلامی، روان شناسی و دین
۳۴. نوری طبهرسی، میرزا حسین (۱۳۶۹)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، آل البيت (ع) ج ۱۵.